فارغ از سناریوهای مبهم درباره حادثه تیراندازی در سیدنی
این واقعه نمی‌تواند تناقض‌های مظلوم‌نمایی رژیم‌صهیونی را پنهان کند

بومرنگ خشونت روی گلوی صهیونیست‌ها

محسن فاطمی‌نژاد | طبیعی بود که حادثه تیراندازی در حاشیه جشن یهودیان در ساحل بوندی سیدنی استرالیا به میدان منازعه روایت‌ها بدل شود. پاسخ به این پرسش که ماهیت این تیراندازی را چطور باید تفسیر کرد با توجه به تکثر روایت اردوگاه‌های رسانه‌ای، به این سادگی‌ها قابل دستیابی نیست؛ چرا که هر اردوگاه سعی می‌کند با چارچوب پیش‌فرض‌های سیاسی خود روایتش را به عنوان روایت صادق و حقیقی به مخاطب عرضه کند. به نظرم به جای این کار، خوب است عناصر موجود در صحنه همین ماجرا را به دقت بررسی کنیم تا شاید بتوانیم چیزهایی که در میانه روایت ماجرا توسط رسانه‌ها به قاب تصویر کشیده نمی‌شود را ببینیم و از این مسیر شاید به فهم ریشه‌های چنین واقعه‌ای نزدیک‌تر شویم.

پس از شنیدن اخبار این تیراندازی به سراغ فیلم‌ها و عکس‌های ماجرا رفتم و از بین تمام قاب‌ها و ویدئوها یکی بیش از بقیه برایم جالب توجه آمد؛ تصویر مردی میانسال با سری باندپیچی شده که خون تمام صورتش را گرفته و همان طور خشک شده است. تصویر فریز شده او از قاب یک گزارش تلویزیونی در همان ساعت اولیه به سرعت در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های غربی به عنوان تصویری نمادین از یک «قربانی یهودستیزی» بازنشر شد. باید دانست که این «آیکونیک» و نمادین بودن اما همیشه دو رو دارد؛ یک روی آن شاید ظاهر باندپیچی شده و خونین باشد ولی روی دیگر آن این است که دقیقاً جملات ترحم‌برانگیز پس از این حادثه از زبان چه کسی و با چه سابقه‌ای خارج می‌شود. صاحب تصویر، آرسن اوستروفسکی یک نویسنده و کسی است که از او در یادداشت‌های مختلف به عنوان وکیل بین‌المللی حقوق بشر یاد می‌شود. فعلاً اجازه دهید روایت او بلافاصله پس از این تیراندازی را بازخوانی کنیم. او در مصاحبه‌ای که با تلویزیون «ناین‌نیوز» استرالیا انجام داده، اشاره می‌کند آخرین باری که با چنین صحنه‌ای مواجه شده، هفتم اکتبر ۲۰۲۳ است.

او که به روایت این شبکه تلویزیونی، رئیس شورای امور اسرائیل و یهودیان در استرالیاست (AIJAC) صحنه تیراندازی را این طور روایت می‌کند: «نمی‌دانستم چه اتفاقی می‌افتد و تیراندازی از کجا صورت می‌گیرد... فقط دیدم که مردم تیر می‌خورند و به زمین می‌افتند. تنها نگرانی‌ام این بود: بچه‌هایم کجا هستند؟ خانواده‌ام کجاست؟» و بعد ادامه می‌دهد: «هیچ ترس بزرگ‌تری و هیچ وحشت بزرگ‌تری از اینکه ندانی خانواده‌ات در چنین موقعیتی کجا هستند، وجود ندارد».

همان طور که گفتم، این یک روی سکه آیکونیک و نمادین بودن این ماجرا بود. برای دیدن روی دیگر سکه، کافی است نگاه این شخص که به عنوان وکیل حقوق بشر نیز معرفی می‌شود را نه در ماجراهای پیش از عملیات طوفان الاقصی، بلکه در فاصله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تا به الان جست‌وجو کرد. برای مثال از همین شخص مقاله‌ای در Australian Financial Review آن هم در خلال جنگ ۱۲روزه ایران و رژیم صهیونیستی با این عنوان منتشر شده است: «چرا حمله ترامپ و نتانیاهو به ایران قانونی است؟». به نظر پرداختن به محتوای چنین یادداشتی با این تیتر و عنوان وقت هدر دادن باشد. همین شخص به هیئت یک وکیل کت و شلواری اتوکشیده و کروات بسته از این دست یادداشت‌ها و مقالات با چنین عناوینی، فراوان دارد. مثلاً در ماجرای کشتن نیروهای امدادگر در غزه که ۲۳ مارس توسط ارتش اسرائیل صورت گرفت، با این تیتر و عنوان این قتل عام را توجیه کرد: «اشتباه تراژیک؟ بله. جنایت جنگی؟ هرگز».

خلاصه اینکه در کنار موج محکومیت‌های ماجرای ساحل بوندی سیدنی که ایران نیز آن را محکوم کرد و همه سناریوهایی که می‌توان در نظر داشت، نمی‌شود از چنین تناقض‌هایی که در نهایت منجر به بازتولید چرخه‌ای از خون و خشونت می‌شوند، چشم‌پوشی کرد. حداقل نمی‌شود فردی چون آرسن اوستروفسکی را در مرکز قاب رسانه‌ای به عنوان نماد مظلومیت اسرائیلی‌ها به جهان غالب کرد. او که کشتار و ویرانی را در کشورهای دیگر با قلم و استدلال حقوقی توجیه می‌کند همچون سرکردگان رژیم صهیونیستی بدشان نمی‌آید قاب دوربین فقط صورت خون‌آلودشان را بگیرد و نه دست‌هایی که دو سال است در حال سلاخی کودکان و زنان غزاوی، لبنانی و ایرانی است. سؤالی که همه باید در پس چنین حوادثی به آن فکر کنیم، این است: آیا می‌توان خشم و نفرت را در نقاط مختلف جهان کاشت، کودکان و غیرنظامیان را در بمباران‌ها سلاخی کرد و سپس از بروز خشونت در نقطه‌ای دیگر در قبال خود شگفت‌زده شد؟

> اوستروفسکی که کشتار و ویرانی را در کشورهای دیگر با استدلال حقوقی توجیه می‌کند بدش نمی‌آید قاب دوربین فقط صورت خون‌آلودش را بگیرد و نه دست‌های آغشته به خون کودکان را

رصد

به نظر می‌رسد اقدام پیشگیرانه حماس دست این گروه را در دور دوم آتش‌بس باز نگه داشته است

آخرین کارت، آخرین جنازه

سیداحمد موسوی | به نظر می‌رسد مسئله «آخرین اسیر» دیگر صرفاً یک موضوع انسانی یا جزئی از مذاکرات آتش‌بس در غزه نیست، بلکه به آینه‌ای سیاسی تبدیل شده که ماهیت و نیات واقعی رژیم صهیونیستی را منعکس می‌کند. در حالی که واشنگتن مدعی تلاش برای رسیدن به توافق برای اجرای مرحله دوم آتش‌بس است، این رژیم پرونده سرباز مفقود شده را به‌عنوان بهانه‌ای برای کند کردن مسیر کاهش تنش و ادامه جنگ، حتی به قیمت جان سربازان خود، باز نگه می‌دارد.

■پایان جنگ، پایان عمر نتانیاهو؟

واضح است دولت بنیامین نتانیاهو پایان جنگ را به‌عنوان یک منفعت سیاسی نمی‌بیند، بلکه آن را تهدیدی مستقیم برای بقای خود قلمداد می‌کند. پیشرفت در توافق به معنای آرامشی خواهد بود که می‌تواند دولت راست‌گرای او را سرنگون کند. به همین دلیل، بقایای «ران گویلی» سرباز صهیونیستی به ابزار سیاسی ارزشمندی تبدیل شده است؛ ابزاری که نتانیاهو آن را به‌عنوان نمادی ملی مطرح می‌کند، در واقع تنها کارت فشاری است که به او اجازه می‌دهد زمان بخرد و هر گونه پیشرفت در مذاکرات را متوقف کند؛ چراکه اگر واقعاً جان سربازانش برای او اهمیت داشت، از بقایای آن‌ها به عنوان مانع توافقی که می‌توانست آن‌ها را به خانه بازگرداند، استفاده نمی‌کرد. با این حال، آنچه در این میان توجه همه را جلب کرده، تعهد شدید حماس است؛ چیزی که نه رژیم صهیونیستی و نه حتی واشنگتن انتظارش را داشتند و تمام محاسبات را به هم ریخته است. این جنبش ۲۰ اسیر را زنده تحویل داد و اجساد ۲۷ نفر دیگر را بازگرداند و همچنان با وجود حجم گسترده ویرانی و کشتار روزانه به جست‌وجوی بقایای آخرین اسیر ادامه می‌دهد. این تعهد، ادعاهای دیرینه رژیم صهیونیستی مبنی بر غیر قابل اعتماد بودن حماس را آشکارا زیر سؤال برده است. در واقع، ارتش صهیونیستی خود اذعان کرده در این مدت حماس به ندرت آتش‌بس را نقض کرده و طرفی که با اقداماتش به وضوح روند را مختل می‌کند رژیم صهیونیستی است.

■آتش‌بس تنها روی کاغذ

در همین حال، در غزه، آتش‌بس تنها روی کاغذ برقرار است. قتل‌های روزانه ادامه دارد، محاصره مانع ورود غذا و دارو می‌شود و ۲/۴ میلیون نفر با فاجعه انسانی ناشی از باران و سرمای زمستان دست و پنجه نرم می‌کنند. این امر تأیید می‌کند رژیم صهیونیستی به‌دنبال آتش‌بس منجر به حل مسئله نیست، بلکه می‌خواهد نوار غزه ضعیف، خسته و ویران باقی بماند تا بتواند بدون پرداخت هزینه‌های رویارویی کامل، جنگ را از راه‌های دیگر ادامه دهد. در این تصویر گسترده‌تر، پرونده «آخرین اسیر» به تیتر اصلی تبدیل می‌شود که جوهره صحنه را در بر دارد. رژیم صهیونیستی روند را مختل نمی‌کند چون منتظر جسد یک سرباز است، بلکه از این می‌ترسد هر پیشرفتی به پایان جنگ و در نتیجه آغاز پاسخ‌گویی سیاسی، امنیتی و اخلاقی منجر شود. بنابراین «آخرین اسیر» به یک پوشش مناسب تبدیل شده که علت واقعی مانع‌تراشی را پنهان می‌کند. حقیقت، امروز بیش از هر زمان دیگری روشن است؛ آخرین اسیر یک بن‌بست مذاکره‌ای نیست، بلکه ابزاری است که رژیم صهیونیستی برای تأخیر در کاهش تنش و طولانی کردن جنگ استفاده می‌کند. معضل واقعی این رژیم نه رسیدن به توافق، بلکه آن چیزی است که صلح آشکار خواهد کرد؛ یعنی افشای شکست‌ها و جنایت‌ها و ترس مداوم از لحظه‌ای که می‌تواند تعادل را به منطقه بازگرداند. رژیم صهیونیستی از کاهش تنش تنها به دلیل پایان جنگ نمی‌ترسد، بلکه می‌داند پایان جنگ به معنای پایان روایتی است که از آن سود می‌برد. بنابراین، «آخرین اسیر» همچنان ماسکی سیاسی است که واقعیت را پنهان می‌کند؛ واقعیتی که نشان می‌دهد ادامه درگیری‌ها به نفع این رژیم است، در حالی که صلح، این منافع را آشکار خواهد کرد.

دریچه

شکایت ۲۰ ایالت از ترامپ به‌دلیل سیاست‌های مهاجرتی

نگرانی صنایع آمریکایی از نایاب شدن نیروی کار

ترجمه و تنظیم: نیک‌پندار | در یک اقدام حقوقی جدید علیه دولت دونالد ترامپ؛ راب بونتا، دادستان کل کالیفرنیا همراه با ۱۹ ایالت دیگر که همگی دادستان‌های کل دموکرات دارند، شکایتی علیه سیاست افزایش هزینه ویزای H-۱B به ۱۰۰هزار دلار ارائه کرده‌اند. ویزای H-۱B یکی از محبوب‌ترین ویزاهای کاری غیرمهاجرتی (موقت) ایالات متحده آمریکاست که به کارفرمایان آمریکایی اجازه می‌دهد نیروی کار خارجی متخصص در مشاغل تخصصی را استخدام کنند. این مشاغل معمولاً نیاز به حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن در یک رشته خاص دارند و شامل زمینه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، مهندسی، علوم، پزشکی، حسابداری، معماری و ریاضیات می‌شود.

این شکایت قرار است در دادگاه فدرال ماساچوست ثبت شود و ماساچوست نیز یکی از ایالت‌های همکار است. این سیاست که در سپتامبر ۲۰۲۵ از طریق فرمان ریاست‌جمهوری ترامپ و با امضای کریستی نوئم، وزیر امنیت داخلی اجرا شد، هزینه درخواست‌های جدید ویزای H-۱B را به ۱۰۰ هزار دلار افزایش داده است. ویزای H-۱B برای جذب نیروی کار متخصص خارجی در زمینه‌هایی مانند فناوری، بهداشت و آموزش طراحی شده و شرکت‌های بزرگ فناوری مانند آمازون، مایکروسافت و متا از کاربران اصلی آن هستند.

دادستان بونتا در کنفرانس خبری در سان‌فرانسیسکو اعلام کرد: «هیچ دولت ریاست جمهوری نمی‌تواند قوانین مهاجرت را بازنویسی کند. هیچ رئیسی نمی‌تواند شاخه هم‌تراز دولت یعنی کنگره، قانون اساسی یا قوانین را نادیده بگیرد». شاکیان استدلال می‌کنند این افزایش هزینه فراتر از اختیارات کنگره است و هدف برنامه H-۱B را که جذب استعدادهای برتر جهانی است، زیر سؤال می‌برد. این سیاست می‌تواند منجر به کمبود نیروی کار در بخش‌های کلیدی مانند بهداشت (پزشکان و پرستاران)، آموزش (معلمان) و تحقیقات شود و اقتصاد ایالت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. این شکایت چهل و نهمین دعوی حقوقی بونتا علیه دولت ترامپ در سال ۲۰۲۵ است.

در مقابل، تیلور راجرز، سخنگوی کاخ سفید از این سیاست دفاع کرد و گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ قول داد کارگران آمریکایی را در اولویت قرار دهد و این اقدام منطقی در ویزای H-۱B دقیقاً همین کار را انجام می‌دهد؛ از سوءاستفاده شرکت‌ها از سیستم و کاهش دستمزد آمریکایی‌ها جلوگیری می‌کند، در حالی که به کارفرمایانی که به استعدادهای برتر خارجی نیاز دارند، اطمینان می‌دهد». دولت ترامپ این سیاست را گامی اولیه برای اصلاح برنامه H-۱B می‌داند که به گفته آن‌ها، شرکت‌ها از آن برای استخدام نیروی ارزان خارجی به جای آمریکایی‌ها سوءاستفاده می‌کنند.

این سیاست در سپتامبر اعلام و بلافاصله جنجال‌برانگیز شد. ترامپ ابتدا موضع سخت‌گیرانه‌ای داشت، اما بعداً در مصاحبه با لورا اینگراهام در فاکس‌نیوز نرم‌تر شد و گفت: آمریکا در برخی زمینه‌ها به نیروی خارجی نیاز دارد. با این حال، این فرمان اجازه می‌دهد وزیر امنیت داخلی در موارد خاص معافیت اعمال کند. پیش از این، اتاق بازرگانی آمریکا و گروه‌هایی از دانشگاه‌های تحقیقاتی نیز شکایت‌های جداگانه‌ای علیه این هزینه مطرح کرده‌اند و اتحادیه‌ها و گروه‌های آموزشی نیز به آن پیوسته‌اند.

دعوی حقوقی جدید نشان‌دهنده تنش‌های عمیق میان اصلاحات مهاجرتی ترامپ، حفاظت از کارگران آمریکایی و نیاز اقتصادی به استعدادهای جهانی است. منتقدان هشدار می‌دهند این هزینه بالا می‌تواند مهاجرت متخصصان را کاهش دهد و کمبودها را در بخش‌های حیاتی تشدید کند، در حالی که حامیان، آن را ابزاری برای اولویت دادن به آمریکایی‌ها می‌دانند. دادگاه ماساچوست هنوز حکمی صادر نکرده و پرونده در مراحل اولیه است.

«آگهی مناقصه عمومی»

شهرداری شاهرود به استناد مجوز شماره ۳۸ / ۶۶۶ / ۱۴۰۴ مورخ ۱۸ / ۰۳ / ۱۴۰۴ شورای محترم اسلامی شهر، درنظر دارد نسبت به اجرای مرحله دوم (از سفت کاری تا بهره برداری) پایانه مسافری و پارکینگ طبقاتی گاراژ توکل از طریق مناقصه عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مناقصه، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir به صورت الکترونیکی اقدام نماید.

۱- متقاضیان جهت اخذ هرگونه اطلاعات بیشتر در خصوص مناقصه در وقت اداری با تلفن ۳۱۵۵۵۶۹۳-۰۲۳ و۳۱۵۵۵۶۵۶-۰۲۳ سازمان عمران و بازآفرینی برای موارد فنی و تلفن ۳۱۵۵۵۳۰۱ - ۰۲۳ برای امور مرتبط با امور مالی تماس حاصل نمایند.

۲- خلاصه آگهی مناقصه در سایت شهرداری به آدرس shahrood.ir جهت متقاضیان قابل مشاهده و بهره برداری می باشد. همچنین اطلاعات مربوط به این آگهی و سایر موارد آن در سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir در دسترس و بهره برداری می باشد.

۳- متقاضیان جهت اطلاع از مهلت دانلود و مهلت ارائه پیشنهاد و ... به سامانه تدارکات الکترونیك دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

چاپ نوبت اول : ۲۴ /۰۹ /۱۴۰۴ چاپ نوبت دوم : ۰۱ / ۱۰ / ۱۴۰۴

محسن احمدی–شهردار شاهرود

۱۴۰۴۱۴۸۷۸ الف

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۴۸۱۷

برگ سبز خودرو وانت پیکان تیپ ۱۶۰۰i به رنگ سفید شیری - روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۱۴۸۹۰۲۳۳۵۴ به شماره شاسی NAAA۳۶AA۱AG۲۱۸۱۲۳ به شماره پلاک ۱۹۸ ج ۴۷ ایران ۹۵ به مالکیت باران شاه ولی بر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۴۸۱۶

برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ PARSXUV مدل ۱۳۹۸به رنگ سفید - روغنی به شماره موتور ۱۲۴K۱۳۴۹۶۶۷ به شماره شاسی NAAN۰۱CEXKH۵۱۲۵۲۶ به شماره پلاک ۱۲۷ م ۳۵ ایران ۹۵ به مالکیت فاروق چاریزهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۴۸۶۶

برگ سبز خودرو سواری سیستم پراید تیپ صبا (جی تی ایکس) رنگ سفید_روغنی مدل ۱۳۸۶ به شماره شهربانی ۸۹ و ۳۴۴ ایران ۴۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۶۵۴۳۶۰۶و شماره موتور ۰۰۰۵۴۶۴۹ به مالکیت فاطمه شبروی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۴۸۱۴

برگ سبز وکارت اتومبیل سواری سایپا تیبا مدل ۱۳۹۵به شماره پلاک ۴۲ایران ۴۹۸ط۷۹به شماره موتور **M۱۵/۸۳۴۸۵۸۶** وشماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰G۵۷۱۹۵۶۷ به مالکیت علی اکبر عظیمی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می باشد.